

زنان و سازمان‌های غیردولتی در ایران (اهداف، ویژگی‌ها، چالش‌ها و راهبردهای توانمندسازی)

محمدعلی رحیم زاده*

چکیده

نوشتار پیش‌رو به دنبال پاسخ به این پرسش است که در ایران، زنان چه نقش و جایگاهی در سازمان‌های غیردولتی دارند؟ و سازمان‌های غیردولتی زنان در ایران دارای چه اهداف، ویژگی‌ها، چالش‌ها و راهبردهای توانمندسازی هستند؟ یافته‌ها نشان می‌دهد که همواره زنان نقش پررنگ و تأثیرگذاری در تشکیل و تداوم سازمان‌های غیردولتی از گذشته تا به حال در ایران داشته‌اند و بخش عمده‌ای از سازمان‌های غیردولتی ایران را زنان تأسیس کرده‌اند که تاریخچه آن به دوران قاجار برمی‌گردد. براساس یافته‌های پژوهش، مهم‌ترین اهداف سازمان‌های غیردولتی زنان در ایران عبارتند از: اهداف پژوهشی؛ عدالت محوری؛ فقرزدایی؛ افزایش رفاه اجتماعی. مهم‌ترین ویژگی‌های سازمان‌های مذکور عبارتند از: غیرانتفاعی بودن؛ اعتمادسازی و سهولت ارتباط؛ نقش نظارتی و احقاق حقوق زنان؛ ارائه و بررسی موضوعات در سطح اجتماعی؛ توانمندسازی زنان. مهم‌ترین چالش‌های سازمان‌های غیردولتی زنان در ایران عبارتند از: فقدان قانون مدون سازمان‌های غیردولتی؛ ضعف در سیستم‌های مدیریتی و برنامه‌ریزی؛ ضعف در تأمین منابع مالی پایدار؛ ضعف در اطلاع‌رسانی و شناخت سازمان‌های غیردولتی زنان. راهکارهای استراتژیک برای توانمندسازی سازمان‌های مذکور عبارتند از: حذف باورهای سنتی و عرفی ناشی از کج‌فهمی‌ها و دیدگاه‌های جنسیتی؛ برنامه‌ریزی بلندمدت و هدفمند و تخصیص بودجه مشخص جهت حمایت از طرح‌ها و پروژه‌های پژوهشی و اجرایی در زمینه مسائل زنان؛ تغییر و اصلاح قوانین حقوقی و حذف تبعیض؛ جلوگیری از اعمال خشونت و تحقیر علیه زنان.

کلید واژه‌ها

زنان، ایران، سازمان، دولت، سازمان‌های غیردولتی، غیرانتفاعی.

* مربی گروه مدیریت و برنامه‌ریزی امور فرهنگی دانشگاه علمی - کاربردی تهران (نویسنده مسئول)

مقدمه

ایران، با سابقه فرهنگ و تمدن کهن از دیر باز شاهد نمونه‌های همکاری مردم در قالب تشکیلاتی بوده است. پس از ورود اسلام به این کشور آمیزه دو تفکر ایرانی و اسلامی به گونه خاصی از فرهنگ تبدیل شد که ظرفیت‌های مختلفی را ایجاد نمود. یکی از بارزترین نمونه‌های این تطور در طول دوران تاریخ پس از اسلام تغییر رفتار انسانی، سیر در معنویت و انجام کار خیر بدون چشم داشت مادی است که در واقع می‌تواند اولین انگیزه فردی و گروهی برای انجام امور عام‌المنفعه و به اصطلاح امروزی حضور در یک سازمان غیردولتی با اهداف غیر انتفاعی باشد. شاید بتوان تشکلهای اولیه مردمی را در ایران هیأت‌ها و مجمع‌های مذهبی و خیریه دانست که در دوره قبل از اسلام رواج داشته و با ورود فرهنگ ایثار محور اسلام به اوج خود رسیده است، اما گونه‌های دیگر تشکلهای مردمی همزمان با دوران مشروطه و توسعه جریان‌های روشنفکری و سیاسی در ایران پدیدار گشت که مجموعه‌ای از انجمن‌های ادبی، خیریه، حزبی - سیاسی و علمی را در برمی‌گرفت.

بخش عمده‌ای از سازمان‌های غیردولتی ایران را زنان تأسیس کرده اند (2/46 درصد) و 32/7 درصد از اعضای هیأت‌های مؤسس آنها ترکیبی از زن و مرد بوده است. مردان تنها مؤسس 21/1 درصد از سازمان‌های غیردولتی در ایران بوده‌اند. در سالهای اخیر، افزایش قابل توجهی در تعداد سازمان‌هایی که هیأت‌های مؤسس آنها ترکیبی از زن و مرد یا صرفاً زن بوده است، دیده می‌شود؛ به گونه‌ای که بیش از نصف سازمان‌های غیردولتی زنان و بیش از نصف سازمان‌هایی که مؤسسشان ترکیبی از زن و مرد بوده است، در سالهای 1376-1379 تأسیس شده‌اند؛ این روند از شدت گرفتن مشارکت‌های زنان در سال‌های اخیر حکایت می‌کند (رک. سعیدی، 1382). در 35/5 درصد سازمان‌های غیردولتی، مؤسسان کمتر از 35 سال سن داشته‌اند. 62 درصد از مؤسسان این سازمان‌ها نیز بین 35 تا 54 سال سن داشته‌اند. در حالت کلی، 13/3 درصد از جوانان، 9/1 درصد از میانسالان، 8/7 درصد از بزرگسالان و 7/3 درصد از سالمندان به تأسیس انجمن‌های علمی - فرهنگی می‌پردازند (محسنی و جاراللهی، 1382 ص 62). با همه این تفاسیر، مقاله حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش است که در ایران، زنان چه نقش و جایگاهی در سازمان‌های غیردولتی دارند؟ و سازمان‌های غیردولتی زنان در ایران دارای چه اهداف، ویژگی‌ها، چالش‌ها و راهبردهای توانمندسازی هستند؟ و دولت چگونه با این

سازمان‌ها در تعامل است. برای پاسخ به سؤال مقاله از روش توصیفی-تحلیلی و تکنیک مطالعات کتابخانه‌ای بهره گرفته شده است.

۱. مفهوم‌شناسی «سازمان»

تعریف سازمان و سازماندهی:

به مجموعه فعالیت یک گروه که براساس یک وظیفه مشخص و اهداف مشترک با برنامه صحیح تشکیل شده باشد سازمان می‌گویند (رحیم زاده، ۱۳۹۷: ۱۹). سازمان مجموعه مرکبی است از واحدهای جزئی که هر یک به سود بقیه، عهده دار انجام کار معین هستند (نبوی، ۱۳۷۳). اما سازماندهی مستلزم آن است که منابع، افراد، سرمایه و تجهیزات به موثرترین شیوه برای حصول هدفها فراهم شود؛ بنابراین سازماندهی شامل ترکیب و یگانه سازی منابع است (گریفین و مورهد، ۱۳۹۸: ۱۴). برای رسیدن به مقصود سازماندهی راههای زیر باید طی شود: (۱) شناسایی و دسته بندی؛ (۲) تعریف و واگذاری اختیارات و مسئولیت‌ها؛ (۳) ایجاد برقراری روابط. دانشگاه جانز هاپکینز با مطالعه ۴۰ کشور طبقه بندی و تعاریف زیر را در رابطه با سازمان‌های غیر دولتی ارائه کرده است:

- بر حسب درآمد: سازمان‌هایی که هزینه‌های آنها عمدتاً از طرف کمک‌ها و مساعدت‌های مردمی تامین می‌شود.
- بر حسب عرضه توان کاری: کار در این سازمان‌ها غیر اجباری و بدون چشم داشت مادی است.
- بر حسب خروجی: این سازمان‌ها اغلب خیریه و عام‌المنفعه هستند و کالاهایی از نوع عمومی تولید می‌کنند.
- بر حسب توزیع سود: سازمان‌هایی که سود خالص آنها میان متولیان سازمان توزیع نمی‌شود و در حیطه شکل‌های غیردولتی شناخته می‌شوند.
- سازمان یافتگی: شکل می‌بایست تا حدودی نهادینه شده و تثبیت یافته باشد. تجمع‌های موقت و خلق‌الساعه که هیچ ساختار واقعی و هویت سازمانی ندارند، واجد تعریف نیستند.
- خصوصی بودن: از حیث سازمانی از دولت جدا هستند.
- خودگردانی و استقلال: بتوانند بر فعالیت‌های خودشان تسلط و نظارت داشته باشند.

- توزیع غیرانتفاعی: حاصل به موسسین یا مدیران تعلق نگیرد و در جهت اهداف سازمان به کار گرفته شود.
 - داوطلبانه بودن: شرکت در فعالیت های این تشکل ها به صورت داوطلبانه بوده و نظام عضوپذیری آنها آزاد است (گلشن پژوه، ۱۳۹۰).
 - یونسکو در یک نگاه کلی، سازمان های غیردولتی را نمایندگان جامعه مدنی می داند و افزایش فعالیت آنها را موجب بارورتر شدن جامعه مدنی برای حرکت در مسیر دموکراسی می داند. همکاری دو جانبه یونسکو با سازمان های غیر دولتی، منافع و آثار مثبت متقابلی را برای دو طرف به ارمغان می آورد. با این همکاری، یونسکو از مشاوره فنی و اطلاعات این سازمان ها بهره مند می شود و آنها نیز ضمن استفاده از اسناد و اطلاعات یونسکو، مجرای برای معرفی برنامه های خود در سطح بین المللی می یابند. از نظر یونسکو، این سازمان ها در اصل بر اساس یک توافق غیر دولتی میان چند شخصیت حقیقی و یا حقوقی تاسیس می شوند و از لحاظ نظام اداری کشور متبوع و از لحاظ بودجه و تشکیلات، بخشی از دستگاه دولتی به شمار نمی آیند. از سوی دیگر، این سازمان ها باید ماهیت غیر انتفاعی داشته باشند، هر چند که چنین ماهیتی آنها را از دست یابی به درآمدهای محدود برای اداره تشکیلات باز نمی دارد. یونسکو در یک تقسیم بندی کلی برای همکاری خود با سازمان های غیر دولتی بر اساس اولویت، سه نوع سازمان غیر دولتی را از یکدیگر متمایز می سازد:
 - سازمان های غیر دولتی بین المللی که شامل سازمان هایی است که اعضای بدنه تصمیم گیر و اجرایی آن جنبه بین المللی و چند ملیتی داشته است.
 - بنیادها و نهادهای مشابه که کارکرد بین المللی داشته باشند، یعنی فعالیت آنها به مرزهای ملی کشور متبوع، محدود نشود.
 - سازمان های غیر دولتی ملی و یا محلی.
- با عنایت به این که ترغیب همکاری های بین المللی به منظور رسیدن به صلح جهانی از اولویت های اصلی یونسکو است، این سازمان همکاری مستقیم با سازمان های غیر دولتی با ماهیت بین المللی و یا حداقل کارکرد بین المللی را در اولویت قرار می دهد و همکاری با سازمان های غیر دولتی ملی را عمدتاً از راه کمیسیون های ملی کشورهای عضو و یا دفترهای خارج از مقر یونسکو توصیه می کند، هر چند که در مواردی همکاری مستقیم با سازمان های یاد شده، مجاز می باشد (مرجع سازمان های مردم نهاد، ۱۳۹۶).

اگر تقسیم بندی زیر را در خصوص جامعه در نظر بگیریم، تشکل های مردم نهاد در زیرمجموعه جامعه مدنی قرار می گیرند.



در هر جامعه ای در کنار دولت اعم از ملی و محلی، دو نظام دیگر به نامهای "جامعه مدنی" و "بخش خصوصی" وجود دارند. این سه نظام باید با شراکت و همکاری با یکدیگر به حل مشکلات پیچیده جامعه بپردازند. در این رابطه شراکتی بخش خصوصی شامل شرکت های کوچک، متوسط و بزرگ، اتحادیه ها و انجمن های تجاری و سرمایه گذاری است. جامعه مدنی نیز در بر دارنده نهادهایی چون سازمانهای غیردولتی، گروهها و اجتماعات محلی، سازمانهای داوطلبانه مردمی، نهادهای دانشگاهی و تحقیقاتی، رسانه های جمعی، گروههای مذهبی و سازمانهای مدنی است. این همکاری و مشارکت را حکمروائی می نامند که با مفهوم حکومت تفاوت دارد. دلیل این تفاوت در نحوه تعامل دولتها با جامعه مدنی و بخش خصوصی است. در حکومت، دولت مسئولیت همه امور را به تنهایی بر عهده دارد و جامعه مدنی و بخش خصوصی حضور موثری در عرصه اداره امور ندارند. اما در حکمروائی این سه نهاد با شراکت و با کمک با یکدیگر به اداره امور عمومی می پردازند. البته باید خاطر نشان کرد که در حکمروائی با وجود آنکه مسئولیت اجرایی دولت نسبت به گذشته کمتر می شود اما وظیفه اصلی آن که سیاستگذاریهی کلان جامعه و انجام وظایفی مانند سرمایه گذاریهای در پروژه های کلان بر سر جای خود باقی است.

ویژگی سازمان:

از مجموع بررسیهای صورت گرفته در زمینه سازمانهای غیر دولتی و نیز شناسایی و تمیز سازمانهای مختلفی که با چنین هدف و فلسفه ای فعالیت می‌کنند، می‌توان به ویژگیهای زیر بیشتر تاکید کرد:

الف) غیرانتفاعی بودن: این سازمانها با انگیزه سودجویی شکل نگرفته‌اند و در پی کسب سود برای اشخاص یا دسته‌های خاص نیستند. هر چند سازمانهای غیر دولتی می‌توانند در فعالیتهای بازرگانی مشارکت کرده، تولید سود و سرمایه‌کنند. ولی سود و سرمایه آنها باید صرفاً برای اجرای مأموریت سازمان به مصرف رسد یا در سازمان سرمایه‌گذاری شود.

ب) نداشتن وابستگی به دولت: سازمانهای غیردولتی را مردم تاسیس می‌کنند و عموماً دولتها در ایجاد و مدیریت آنها نقش چندانی ندارند؛ از قبیل انجمنها، مجامع، گروههای حرفه‌ای، سازمانهای خیریه و مذهبی. به دیگر سخن، این سازمانها در ساختار دیوان سالاری دولتی جایی ندارند. با وجود غیر دولتی بودن این سازمانها، برخی دولتها با هدف گسترش مشارکتهای مردمی در تاسیس و مدیریت این سازمانها دخالت می‌کنند.

ج) داوطلبانه بودن: خصلت عمده سازمانهای غیردولتی آن است که مردم به صورت داوطلبانه آنها را تشکیل داده‌اند. با آنکه این سازمانها باید تابع قوانین و مقررات موجود باشند، اما هیچ تشکیلات دولتی نباید در شرایط عادی دستور ایجاد، اداره و انحلال آنها را صادر کند و هرچند این سازمانها به استخدام کارمند اقدام می‌کنند، به مشارکت داوطلبانه بسیاری از افراد علاقه مند، برای خدمت در هیئت مدیره و کمکهای دیگر متکی هستند.

د) برخورداری از شخصیت حقوقی: برای گسترش فعالیت سازمانهای غیردولتی، قوانینی وضع می‌شود که بر اساس آن این سازمانها به ثبت می‌رسند و از شخصیت حقوقی مستقل برخوردار می‌شوند. این امر موجب جلب اعتماد مردم به آنها می‌شود و از این طریق می‌توانند با سازمانهای دولتی قرارداد امضا و از تسهیلات مختلفی نظیر وام بانکی استفاده کنند.

و) مدیریت دموکراتیک و مشارکتی: محققان معتقدند که در این سازمانها فرایند دموکراتیک یا مردم سالاری اهمیت بالایی دارد؛ زیرا این روند، مشارکت مستمر افراد داوطلب را تضمین می‌کند. ماهیت مردمی سازمانهای غیردولتی اقتضا می‌کند که فرایند اداره آنها از پایین به بالا و مشارکتی باشد. بر همین اساس نیز مدیران آنها از سوی اعضا انتخاب و در صورت نارضایتی از

عملکردشان برکنار می‌شوند. این ویژگی سبب می‌شود که اعضا همواره بر عملکرد مدیران نظارت داشته و مدیران پاسخگوی عملکردشان در برابر اعضا باشند و به این ترتیب نیز سازمان از پویایی بیشتر برخوردار شود. بنابر این، هر چه سازمانها به سوی نخبه‌گرایی حرکت کنند از ماهیت دموکراتیک بودن به دور خواهند شد.

(ن) خودگردانی: سازمانهای غیردولتی، از نظر مالی خودگردان هستند. هرچند آنها از دولت، افراد خیر، سازمانهای بین‌المللی و... کمک‌هایی دریافت می‌کنند، این کمکها نباید به گونه‌ای باشد که وابستگی شان را به منابع کمک دهنده فراهم کند و آنها را از اهداف و تعهدات اجتماعی شان دور سازد.

(ی) غیرسیاسی بودن: این سازمانها تعهد اجتماعی دارند. هدف اساسی آنها خدمت به اجتماع، فقرا، گروههای آسیب‌پذیر، رفع تبعیضهای جنسی، نژادی، مشکلات محیطی و... است. ساز و کارهای تاسیس سازمانهای غیردولتی نیز با سازمانهای سیاسی (احزاب) متفاوت است و معمولاً آنها در زمان تاسیس تعهداتی مبنی بر وارد نشدن به حوزه‌های سیاسی می‌سپارند. (ک) معافیت مالیاتی: همان‌طور که سازمانهای غیردولتی بصورت غیرانتفاعی اداره می‌شوند و با هدف خدمت‌رسانی به اقشار آسیب‌پذیر و توسعه اجتماعی فعالیت می‌کنند، از پرداخت مالیات معاف هستند (سعیدی، ۱۳۸۲).

انواع سازمان‌ها:

- سازمان‌ها انواع مختلفی دارند که می‌توان آنها را در سه دسته تقسیم کرد:
- سازمان‌ها اغلب یا از حمایت حاکمیت برخوردارند یعنی منابع مالی آنها از ردیف بودجه عمومی است.
 - سازمان‌هایی که براساس اهداف تجار با هدف تحصیل سود با ماموریت بازاریابی و تجارت داخلی و خارجی تشکیل شده‌اند.
 - سازمان‌هایی که غیرانتفاعی بوده و اغلب هدف سازمانی آنها سینرژی یا همگرایی اجتماعی (ارتقای سطح کیفی - اجتماعی مردم) تشکیل شده که اغلب از محل کمک‌های مردمی یا ردیف بودجه عمومی خاص دولت بهره‌می‌برد (شکیبامقدم، ۱۳۷۸).

۲. تاریخچه سازمان‌های غیردولتی زنان در ایران

سابقه سازمان‌های غیردولتی زنان در ایران نیز به اواخر دوره قاجاریه و انقلاب مشروطه باز می‌گردد. بحران‌های اجتماعی حاصل از تشتت سیاسی و جنگ جهانی اول مانند بیماری‌های اپیدمی، قحطی و بیکاری باعث می‌شد تا زنان به صورت گروهی درصدد رفع مشکلات برآیند و مؤسسات خیریه را تأسیس نمایند. از جمله می‌توان «مؤسسه خیریه ائمه(س)» و «انجمن خیریه بانوان ارامنه» اشاره نمود که حدود 100 سال پیش تأسیس شده‌اند. از جمله مشکلات دیگر آن زمان مسئله آموزش و تأسیس مدارس دخترانه بود که زنان مجبور بودند جلسات آموزش و تشکل‌ها را به صورت مخفیانه در منازل خود برگزار نمایند. در دوران انقلاب مشروطه نیز زنان دارای تشکل مستقل سیاسی به نام «اتحادیه غیبی زنان» و یک تشکل اجتماعی به نام «انجمن مخدرات وطن، انجمن نسوان ایران» بودند. هر چند نظام بسته و مردسالارانه دوره قاجاریه و عرف جامعه آن روزگار زمینه پذیرش زنان در اجتماع را محدود می‌نمود، اما در دوره احمدشاه دولت مجبور به تأسیس «اداره معارف نسوان» شد تا به امور آنان رسیدگی نماید (رک. آملی، 1383).

این روند تا دوره رضاشاه ادامه داشت، ولی پیشرفت چشمگیری مشاهده نگردید. پس از کودتای 28 مرداد سازمان‌های دولتی و غیردولتی زنان به حالت تعطیل یا نیمه فعال درآمد تا اینکه در دهه 40 «انجمن زنان ایران» تأسیس شد که به تدریج به «حزب زنان ایران» تغییر شکل داد، اما با توجه به فضای کاملاً بسته سیاسی و کنترل شدید دولتی عملاً این حزب منحل گردید. فقط برخی انجمن‌های ادبی و خیریه غیردولتی مانند «جمعیت بانوان صلح جو»، «انجمن ملی حمایت از زنان بی سرپرست» کم و بیش به کار خود ادامه می‌دادند. در اواخر دهه 50 و با شدت گرفتن مبارزات انقلابی، زنان نیز دوشادوش مردان در گردهمایی‌ها و تشکل‌های مخفی سیاسی و اجتماعی سهم درخور توجهی داشته و توانستند انقلاب شکوهمند اسلامی را به سرانجام برسانند.

پس از انقلاب اسلامی در دوران جنگ تحمیلی نیز زنان در قالب گروه‌های مردمی در عرصه‌های پشتیبانی و خدمات درمانی و بهداشتی نقش مؤثری را ایفا نمودند که از بارزترین مشخصات این فعالیت‌ها خودجوش و داوطلبانه بودن آنها بود. بعد از جنگ تحمیلی در دوران سازندگی بحث سازمان‌های غیردولتی به صورت جدی مطرح گردید، زیرا احساس می‌شد که مردم باید نقش پررنگ‌تری را در فضای اجتماعی و سازندگی کشور ایفا نمایند. از طرفی پس از

جنگ تحمیلی ارتباطات بین‌المللی نیز رونق تازه‌ای یافت که خود باعث می‌شد تا در محافل جهانی بسترهای تازه‌ای برای تعامل دول و ملل فراهم گردد. (تقی‌خاکی و بابامرادی، ۱۳۸۳).

۳. اهداف سازمان‌های غیردولتی زنان در ایران

به طور کلی سازمان‌های غیردولتی زنان وضعیتی دوگانه دارند، برخی تشکل‌ها با اهدافی مربوط با موضوعات مبتلا به زنان جامعه پدید آمدند و برخی دیگر سازمان‌هایی هستند که موضوعات مختلفی چون محیط زیست، کودکان و... را مدنظر قرار می‌دهند، اما هیأت مؤسس و بدنه اصلی سازمان را زنان تشکیل داده‌اند. اگر چه سازمان‌های غیردولتی زنان در ایران با انگیزه و اهداف متفاوتی بوجود می‌آیند، اما می‌توان آنها را براساس وجوه اشتراک در دیدگاه‌ها و کارکردها طبقه‌بندی نمود.

۳-۱. رویکرد افزایش رفاه اجتماعی

در این رویکرد زنان جزء اقشار آسیب‌پذیر اجتماع محسوب می‌شوند و برای تأمین نیازهای خاص آنان فعالیت‌هایی صورت می‌گیرد. که عمدتاً حمایتی هستند. هدف تشکیل سازمان‌ها و نهادهای خاص این قشر، ارائه خدمات بهداشتی، تغذیه و... می‌باشد.

۳-۲. رویکرد فقرزدائی

چنانچه وضعیت اقتصادی و معیشتی زنان، استقلال مالی، اشتغال و نقش آنان در تولید و خود اتکابی مدنظر باشد، تشکل‌هایی ایجاد می‌شوند تا با جذب و توزیع ابزار کار و سرمایه یا آموزش مهارت‌های خاص وضعیت معیشتی زنان را بهبود بخشند. سازمان‌های کارآفرین، برخی مؤسسات خیریه‌ای و تعاونیها در این گروه قرار می‌گیرند.

۳-۳. رویکرد پژوهشی

انگیزه فعالیت سازمان‌های دولتی و غیردولتی پژوهشی، بررسی وضعیت زنان در تمامی سطوح سیاسی، فرهنگی و اقتصادی و مطالعه مباحث زیربنایی درخصوص ایشان است که از اصلی‌ترین و بنیادی‌ترین نیازهای اجتماعی می‌باشد.

۳-۴. رویکرد عدالت محوری

در این رویکرد مباحثی همچون عدالت جنسیتی، نیازهای راهبردی، تبعیض علیه زنان و بررسی فرصت‌های اجتماعی به منظور دستیابی به عدالت اجتماعی مدنظر است. توانمندسازی

زنان در تمامی عرصه‌ها نیز از اهداف این دیدگاه می‌باشد. براساس آنچه ذکر شد سازمان‌های غیردولتی سعی دارند تا مشارکت زنان را در تمامی حوزه‌های خصوصی و عمومی تحقق بخشند و با شناسایی فرصت‌ها در قالب تعاریف سیستماتیک سطح زندگی زنان را به سوی بهبود وضعیت تنظیم نمایند. سازمان‌های غیردولتی خیریه‌ای، کارآفرینی، خدماتی، پژوهشی، مشاوره‌ای، آموزشی و... از نمونه‌های این تشکلهای مردمی در جهت دستیابی به این اهداف می‌باشند که ظرفیت سازی‌های متعددی را نیز در این راستا ایجاد نموده‌اند.

۴. ضرورت سازمان‌های غیردولتی زنان

با شروع عصر سازندگی در کشور، حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی از اهمیت بسزایی برخوردار گردید، زیرا این جمعیت عظیم می‌توانستند با تأثیر بر مکانیزم‌های تصمیم‌گیری و اجرایی در جهت توسعه کشور حرکت نمایند؛ اما چالش‌هایی که در بازارهای کار و تعاملات سیاسی و اجتماعی پیش روی زنان بوجود آمد و امکانات اندک مراکز دولتی در جذب نیروی عمدتاً تحصیلکرده زنان، زمینه ایجاد تشکلهای غیردولتی را فراهم نمود. اگر چه در شتاب بخشیدن به این روند، ردپای القائنات فمینیستی و جنجال‌های بین‌المللی مشاهده می‌شود، اما چنانچه این فعالیت خودجوش به صورت هدفمند هدایت شود، می‌تواند به صورت اهرمی پر قدرت، جهت دستیابی به اجتماعی با موازنه‌های انسانی، در خدمت دولت ایران قرار گیرد. این سازمان‌ها می‌توانند مدخل مناسبی برای نظم و انضباط اجتماعی، تجمیع علائق، جلوگیری از تشتت آراء و حرکت فردی باشند. در واقع اشکال همیاری سنتی در فرهنگ و اجتماع در قالب نو گرایانه خود می‌تواند باورها و استعدادهای انسانی را جلوه عینی بخشد. در جامعه امروز دولت‌ها سعی می‌کنند تا با سپردن بخشی از مسئولیت‌ها به بخش خصوصی، از فشارهای مدیریتی و هزینه بر دولت بکاهد و از سوی دیگر؛ با مشارکت مردم، شرایط رشد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اقشار مختلف را فراهم نمایند. در کشور نیز کوچک نمودن دولت و تبدیل حکومت از حالت تصدی‌گرایی به تسهیل‌گرایی که خواست مردم در سایه مشروعیت و حفظ ارزش‌های نظام و انقلاب است، فرآیندهای توسعه پایدار و بهبود کیفیت زندگی شهروندان را امکا نپذیر می‌نماید.

در حقیقت دولت‌ها نمی‌توانند خود را درگیر مسائل محلی نمایند، به همین منظور سازمان‌های غیردولتی می‌توانند (به خصوص در مسائل زنان) در اجرای سیاست‌های دولت نقش

کلیدی داشته و به دو صورت رسمی و غیررسمی مشاور و بازوی اجرایی حکومت باشند. بخش غیررسمی ارتباطات، به برگزاری کنفرانس‌ها، هم‌اندیشی‌ها و سمینارها باز می‌گردد که در این فضا به تبادل افکار و بحث‌های شفاهی و گاه کاملاً غیررسمی پرداخته می‌شود. در بخش ارتباطات رسمی نیز سازمان‌های غیردولتی در «فرآیند مشارکت» در کنار مکانیزم‌های تصمیم‌سازی به عنوان یکی از مراجع اصلی مشاوره قرار می‌گیرند. (جامعه‌شناسی زنان، ۱۳۸۰، ترجمه نجم عراقی)

از آنجایی که زنان در سراسر دنیا در تلاش‌های متعددی برای اثبات وضعیت اجتماعی و پیگیری مطالبات صنفی و سازمانی به صورت فردی به توفیق دست نیافته‌اند، با تمهیداتی که در تشکلهای غیردولتی و در چارچوب نظام‌مند صورت می‌پذیرد، می‌توان در جهت بالندگی و توانمندسازی آنان در عصر حاضر بهره‌جست. خودباوری زن مسلمان، حضور در تصمیم‌سازی‌های خرد و کلان جامعه به تناسب موضوع فعالیت سازمان غیردولتی، ایجاد اشتغال و فقرزدایی، حفظ روحیه انسان دوستی و ایثار در قالب سازمان‌های خیریه، عدالت خواهی و... از جنبه‌های مثبت ایجاد تشکلهای غیردولتی زنان است و در چالش‌های اخلاقی و اجتماعی جهان امروز می‌تواند کارکرد حیاتی داشته باشد.

۵. کارکردهای سازمان‌های غیردولتی زنان

سازمان‌های غیردولتی یک فرصت راهبردی برای تحقق آرمان‌های نظام، برقراری عدالت، تداوم توسعه و بازشناسی هویت، توانایی و استعداد زنان محسوب می‌شوند و بنابراین در فضای پارادوکسیکال جامعه جهانی و طرح مسائل جنسیتی، نقش چنین سازمان‌هایی از اهمیت خاصی برخوردار است. در همین راستا، برنامه‌ریزی و توجه به اینگونه تشکلهای، در استراتژی‌های دولت ایران مدنظر قرار گرفته و پس از تصویب قانون برنامه سوم توسعه در سال ۱۳۷۹ دولت موظف گردید تا «برای بهره‌گیری از خدمات مختلف اجتماعی زنان در زمینه‌های مالی، حقوقی، مشاوره‌ای، آموزشی و ورزشی طرح‌های لازم را با اولویت زنان در مناطق توسعه نیافته و کمتر توسعه یافته و گروه‌های محروم جامعه در زمینه حمایت از تشکیل سازمان‌های غیردولتی تهیه و برحسب مورد به دستگاه‌های اجرائی یا دولت منعکس کند تا پس از تصویب از طریق دستگاه‌های ذیربط اجرا شوند». (رک. بابامرادی، خاکی، ۱۳۸۳)

با حمایتی که از سوی دولت صورت گرفت از اواسط دهه ۷۰ انواع سازمان‌های غیردولتی زنان رشد فزاینده‌ای پیدا کرد. در همین زمان تا پایان سال ۱۳۷۵، حدود ۵۵ سازمان غیردولتی زنان فعالیت می‌نمودند که این تعداد تا پایان سال ۱۳۸۳ به ۴۸۰ سازمان افزایش یافته که رشدی معادل ۷۷۳ درصد را نشان می‌دهد. ساختار سازمان‌های غیردولتی در ایران همچون بسیاری از تشکلهای در سراسر دنیا دارای نظرگاه و ویژگی‌های زنانه است؛ یعنی حرکت این سازمان‌ها تدریجی، صلح‌آمیز و عاطفه‌محور است. زنان به فعالیت‌های فرهنگی و خیریه‌ای توجه بیشتری دارند و اغلب در جهت رفع نیازهای خدماتی گام برداشته‌اند. به طور کلی جنبش‌های اجتماعی را در سطح سازمانی می‌توان با سه ویژگی بررسی نمود: چند مرکزیتی، قطعه‌ای و شبکه‌ای. (فالت، ۱۳۶۳).

این ویژگی‌ها باعث می‌شود تا سازمان‌ها با اتخاذ تاکتیک‌های گوناگون با تشکیلات بزرگتر هماهنگ شوند (مانند تعامل یک سازمان غیردولتی چند منظوره با دولت) و بتوانند به صورت حلقه مفقوده ارتباط دولت و ملت قرار گیرند؛ اما آنچه که باید مورد توجه قرار گیرد تناسب رشد و کیفیت فعالیت سازمان‌های غیردولتی زنان می‌باشد؛ زیرا افزایش تعداد کمی‌ای نگونه تشکلهای علاوه بر تشمت و ائتلاف انرژی نیروی انسانی، بحث نظارت بر عملکرد این سازمانها را با چالش جدی مواجه خواهد ساخت. از سوی دیگر تشکیل سازمان‌های غیردولتی زنان با تقلید از شیوه‌ها و مدل‌های غربی تبدیل به پدیده‌های لوکس شده است که نه تنها انحراف بزرگی از آرمان یک سازمان مردمی خواهد بود بلکه مکانی برای تخریب و سلب اعتماد مردم از اینگونه سازمان‌ها می‌شود. بسیاری از این تشکلهای، با انگیزه‌های ضعیف و بدون ساختارهای استاندارد یک سازمان بوجود می‌آیند و پس از مدتی، منحل یا به صورت غیرفعال در می‌آیند که ظهور و سقوط زود هنگام آنها، بی‌اساس بودن یا ناکارآمدی سازمان‌های غیردولتی زنان را در اذهان جامعه متبادر می‌سازد.

۶. ویژگی‌های سازمان‌های غیردولتی زنان

۶-۱. غیرانتفاعی بودن

این سازمان‌ها با انگیزه سودجویی شکل نگرفته‌اند و در پی کسب سود برای اشخاص یا دسته‌های خاص نیستند. هر چند سازمان‌های غیردولتی می‌توانند در فعالیت‌های بازرگانی

مشارکت کرده تولید سود و سرمایه کنند، اما سود و سرمایه آنها باید صرفاً برای اجرای مأموریت سازمان به مصرف رسد یا در سازمان سرمایه گذاری شود.

۲-۶. اعتمادسازی و سهولت ارتباط

از ویژگی‌های سازمان‌های غیردولتی زنان ایجاد اعتماد در بین گروه مخاطبین خود است. به لحاظ ساختار مردمی این تشکله‌ها، گروه هدف به راحتی و بدون قیود رسمی که معمولاً در سازمان‌های دولتی مشاهده می‌شود، می‌تواند با تشکل ارتباط برقرار نماید. سهولت دسترسی و عضویت در یک سازمان غیردولتی از جمله نکات مثبت و قابل توجه در حوزه کارآیی و ارتباط مستقیم با مسائل و موضوعات جامعه است.

۳-۶. جذب اقشار مختلف زنان جامعه

از آنجایی که در سازمان‌های غیردولتی زنان طیف وسیعی از فعالیت‌ها وجود دارد، گروه‌های مختلف زنان، از جمله دانشجویان، متخصصین، هنرمندان، خانه‌داران و... امکان جذب و تمرین شرکت در مجموع‌های سازمانی و هدفمند را پیدا می‌کنند که در بحث حضور فعال زنان در اجتماع و خروج از انزوا، می‌تواند از جایگاه مهمی برخوردار باشد. چنانچه سازمان‌های مردمی تقویت و توسعه یابد، می‌توانند با جذب جمعیت جویای کار، تحصیلکرده و بازنشستگان در عرصه اشتغال زایی به ابزاری کارآمد برای تبدیل ساز و کارهای اقتصادی تبدیل شوند و به مثابه یک تعدیل کننده عرضه و تقاضای نیروی کار عمل نمایند.

۴-۶. نقش نظارتی و احقاق حقوق زنان

سازمان‌های غیردولتی زنان می‌توانند مجرای مناسبی برای احقاق حقوق زنان و شهروندان در انتقال سیستماتیک و منطقی انتقادات، برای اصلاح وضع موجود در دستگاهها و سازمان‌های دولتی باشند. این امر با پیگیری مطالبات و خواسته‌های زنان از طریق رایزنی و بررسی کارشناسی در یک تشکل غیردولتی به سرانجام برسد. در واقع یکی از اهداف اصلی سازمان‌های غیردولتی نقش نظارتی و بهره‌گیری از ارتباطات سازمانی به منظور ارتقاء سطح کیفی همه جانبه وضعیت جامعه است. همین وضعیت در ابعاد بین المللی و جهانی نیز صدق می‌کند و در بسیاری از موارد سازمان‌های غیردولتی به صورت اهرم‌های فشار برای حمایت از حقوق ملل، دولت‌ها را به چالش می‌کشانند. هر چند که شاید به صورت عملی موفق به انجام کاری نشوند، اما تلاش آنها برای جلب توجه اذهان عمومی می‌تواند از تأثیر تندروی‌ها و تصمیم‌گیری‌های یک‌جانبه دولت‌ها بکاهد. به عنوان مثال می‌توان به اعتراض گسترده سازمان‌های غیردولتی در

سراسر جهان علیه جنگ آمریکا با عراق و افغانستان اشاره کرد که علیرغم بروز جنگ، جهت‌گیری اذهان عمومی ملت‌ها مخالفت با جنگ بوده و در توده مردم حساسیت خاصی جهت پیگیری مسائل مربوط به آن ایجاد شده است.

۵-۶. ارائه و بررسی موضوعات در سطح اجتماعی

طرح و توصیف مسائل فردی و اجتماعی زنان باعث می‌شود تا با ایجاد حساسیت و تحریک عواطف، انگیزه و استعداد‌های جامعه، شرایط تشریک مساعی برای پرداختن به مسائل زنان فراهم شود. سازمان‌های غیردولتی در احیاء مباحث و اولویت بندی آنان با ایجاد نظامی هماهنگ و مشخص می‌توانند نیازها و خواسته‌های قشر زنان را با نمود مطلوب‌تری مطرح و در پی راهکارهای اساسی باشند. حتی در سطحی بالاتر، با فرهنگ سازی این تشکله‌ها، می‌توان موضوعات جدیدی را برای بهبود وضعیت و جایگاه زنان ترسیم نمود تا حساسیت‌ها در مرحله انگیزشی، روحی و ذهنی جامعه ایجاد شود.

۶-۶. توانمندسازی زنان

مبحث دیگری که در چارچوب فعالیت سازمان‌های غیردولتی زنان قرار می‌گیرد، توانمندسازی زنان است. مفهوم توانمندسازی از چند بعد قابل بررسی است و می‌توان ۵ اولویت را برای آن در نظر گرفت: رفاه، دسترسی به منابع اطلاعاتی، افزایش سطح آگاهی سیاسی، اجتماعی و بهداشتی، مشارکت در ساختارهای مدیریتی و خودسازی به منظور رشد معنوی و روحی. در شرایط کنونی، معمولاً تعاریف متعددی برای توانمندسازی ارائه می‌شود که می‌توان به نمونه‌هایی اشاره نمود: «توانمندسازی اصطلاحی است برای توصیف هموار کردن راه خود یا دیگران برای تلاش در جهت دستیابی به اهداف شخصی». توانمندسازی فرآیندی است که افراد مهارت‌هایی را برای پیشرفت و غلبه برمشکلات کسب می‌کنند که هر چه توانایی فرد بیشتر باشد، تسلط وی بر خود و عوامل محیطی بیشتر شده و می‌تواند به سطحی از توسعه فردی دست یابد (رک. ابوت و والاس، ۱۳۸۰). البته مفهوم توانمندسازی زنان از دیدگاه‌های مکاتب گوناگون فمینیستی با یکدیگر تفاوت دارد و هر کدام از این نحله‌ها براساس اهداف خود توانمندی زنان را تعریف می‌نمایند. به عنوان مثال فمینیست‌های لیبرال معتقدند که اجتماع باید بهترین و بیشترین فرصت‌ها را برای ارتقاء استعداد‌های فردی مهیا نماید و ارزش‌های فردی در توانمندسازی زنان برای دستیابی به آزادی و برابری محقق می‌شود (جامعه شناسی زنان، ابوت، پاملا و والاس، ۱۳۸۰). همچنین فمینیست‌های رادیکال معتقدند برای توانمندی زنان،

آنان باید در زمینه تحصیل و حق انتخاب کردن و انتخاب شدن از همان حقوق مردان برخوردار باشند، حتی در صورت داشتن همسر و فرزند در امور سیاسی شرکت کنند و مانعی بر سر راه آنها نباشد (فرار عقاب‌ها، فالت).

۷. راهکارهای استراتژیک توانمندسازی زنان و نقش سازمان‌های غیردولتی

در جامعه اسلامی بنابر آموزه‌های متعالی دینی و استناد به متون اسلامی تفاوتی در توانایی زن و مرد در مباحث بنیادی و شناخت شناسی دیده نمی‌شود. تفاوت فقط در نقش‌ها و مسئولیت‌هایی است که در آفرینش انسان به دو جنس زن و مرد افاضه شده و دیدگاه واحد خداوند در قرآن کریم به هر دو جنس و عدم برتری جنسیتی کاملاً از آیات قرآن استنباط می‌شود. علاوه بر آن در احادیث و روایات متعدد برای کمالات مترتب بین زن و مرد تفاوتی مشاهده نمی‌شود. آیت الله جوادی آملی در کتاب «زن در آئینه جلال و جمال» اظهار می‌دارد: «اگر کسی بخواهد ادعا کند که عقل مرد در آن جنبه «یعبد به الرحمان و یکتسب به الجنان» قوی‌تر از زن است، هرگز مقدورش نیست؛ چرا که نه تجربه آن را نشان می‌دهد و نه برهان آن را تأیید می‌کند» (رک. جوادی آملی، 1369).

از نظر اسلام، میدان و عرصه فعالیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی برای زن کاملاً باز است و بحث توانمندسازی زنان می‌تواند در جامعه اسلامی با بهره‌گیری از پشتوانه اعتقادات مذهبی در جهت اصلاح قوانین و صدور احکام ثانویه فقها در بسیاری از زمینه‌ها بستر رشد زنان را فراهم نماید. در واقع هر چه گستره نفوذ این توانمندی بیشتر باشد، میزان تأثیر اجتماعی آن نیز افزایش می‌یابد. به همین منظور می‌توان راهکارهای استراتژیک توانمندسازی زنان در عرصه‌های مختلف و اهمیت نقش سازمان‌های غیردولتی را به اختصار بررسی نمود:

- حذف باورهای سنتی و عرفی که به دلیل کج‌فهمی‌ها و دیدگاه‌های جنسیتی در جامعه ایجاد شده است.

- تغییر و اصلاح قوانین حقوقی و حذف تبعیض براساس اصل 21 قانون اساسی کشور که دولت را موظف به رعایت حقوق زنان در تمامی جهات با موازین اسلامی و ایجاد زمینه مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او نموده است.

- جلوگیری از اعمال خشونت و تحقیر علیه زنان که تأثیرات منفی و پیامد این ناهنجاری‌ها به اختلالات رفتاری و عدم اعتماد و عزت نفس در زنان منجر می‌شود.

- برنامه‌ریزی بلندمدت و هدفمند و تخصیص بودجه مشخص، جهت حمایت از طرح‌ها و پروژه‌های پژوهشی و اجرائی دولتی و غیردولتی در زمینه مسائل زنان. با ملاحظه هر یک از موارد فوق، می‌توان کارکرد سازمان‌های غیردولتی را در ایجاد موازنه‌های بهنجار اجتماعی و تبدیل فرصت‌های بالقوه به مجاری کاربردی مشاهده نمود. سازمان‌های غیردولتی می‌توانند با فرهنگ سازی و تقویت روحیه معنوی و عدالت خواهی، در جهت افزایش سطح توانایی و دانایی زنان فعالیت نمایند.

۸. تأثیرگذاری سازمان‌های غیردولتی زنان در سطوح بین‌المللی

از آنجا که ارتباطات دولتها با یکدیگر به منظور مراودات اقتصادی و فرهنگی تحت تأثیر سیاست و روابط پیچیده دیپلماتیک می‌باشد، لذا تعامل و ارتباط ملت‌ها که بدنه اصلی نظام بشری را تشکیل می‌دهند، می‌تواند در سیستم سازمان‌های غیردولتی امکان پذیر باشد، زیرا میزان تأثیر ارتباطات شخصی و فردی در حوزه بین‌الملل بسیار ناچیز است. از سوی دیگر اعتمادی که یک سازمان غیردولتی می‌تواند با ساختار قانونی خود ایجاد نماید، سبب تبادل افکار و فرهنگ و دریافت و توزیع مناسب امکانات مادی و معنوی در کشورها می‌گردد. نقش سازمان‌های غیردولتی در اطلاع‌رسانی نیز حائز اهمیت است، زیرا رسانه‌های گروهی یا منابع رسمی اطلاع‌رسانی اغلب تحت تأثیر قدرتها، نمی‌توانند مستقل و فارغ از پیش داورها فعالیت نمایند؛ در صورتی که تبادل اطلاعات صحیح، مردمی و حقیقی می‌تواند از طریق سازمان‌های غیردولتی تحقق یابد. به عنوان مثال سازمان‌های غیردولتی می‌توانند در کشورهای مسلمان در ارائه‌ی چهره واقعی اسلام نقش داشته باشند، زیرا با هجمه تبلیغاتی غرب، ممکن است عملکرد دولت‌های مسلمان تدافعی، متعصبانه و واکنشی تلقی گردد، در حالی که این اقدام از سوی سازمان‌های غیردولتی، بیانگر خواست، دیدگاه و عقیده ملت‌های مسلمان تلقی شده و با ظرفیت‌هایی که در انتقال آن صورت می‌گیرد، از مقبولیت فوق العاده‌ای برخوردار خواهد بود.

همچنین در مجامع بین‌المللی قدرت تأثیر سازمان‌های غیردولتی به لحاظ ارتباط مستقیم آنها با مردم و واقعیت‌های ملموس جامعه، بنا بر حوزه عملکرد (ملی یا بین‌المللی) بیشتر می‌باشد؛ زیرا این سازمان‌ها با تشکیل جامعه مدنی، بافت اجتماعی را از حالت توده‌های بی‌شکل مردم به سمت گروه‌های هماهنگ هدایت می‌کنند که می‌تواند عامل مهمی در فرهنگ سازی و توسعه همه جانبه سیاسی - فرهنگی و اقتصادی باشد. از لحاظ حقوقی نیز سازمان‌های

غیردولتی تابع کنوانسیونها و مقرراتی که دولت‌ها را محدود میکنند، نیستند و در نتیجه دست آنها برای انجام بسیاری از اقدامات ملی و بین‌المللی باز است. این تشکلهای برای انجام فعالیت‌های خود نیاز چندانی به سفرهای دیپلماتیک و چانه‌زنی‌های سیاسی ندارند و می‌توانند با آزادی عمل بیشتری تأثیرگذار باشند (رک. قوام، 1382).

۹. انتظارات زنان از سازمان‌های غیردولتی

یکی از اساسی‌ترین چالش‌ها در تعامل زنان با سازمان‌های غیردولتی زنان، عدم آگاهی اکثریت این قشر نسبت به وجود و عملکرد این تشکلهاست. نارسایی در اطلاع‌رسانی در جامعه، نوپایی و محدودیت فعالیت‌های سازمان‌های غیردولتی در ایران و... باعث شده است که ارتباط مؤثر و بایست‌های میان این سازمان‌ها و مردم ایجاد نشود. از سوی دیگر نقش این سازمان‌ها در پی‌گیری مطالبات زنان چندان چشمگیر و قابل‌ملاحظه نبوده، لذا در جامعه اهمیت نقش سازمان غیردولتی در این خصوص به سطح قابل‌قبولی نرسیده است. زنان در جامعه مدنی در ساختار عصر مدرنیته، به کارگیری ابزارهای متفاوتی را برای برطرف نمودن نیازهای شخصی و اجتماعی خود برمی‌گزینند و تبدیل رابطه‌های غیرتشکیلاتی را به ضابطه‌های سازمانی ترجیح می‌دهند و برای دسترسی به وضعیت مطلوب، سعی در تشریک مساعی با یکدیگر می‌نمایند و این ظرفیت‌ها را در سازمان‌های غیردولتی می‌توان جستجو کرد. از طرف دیگر، این سازمان‌ها در جهت شناخت مسائل جامعه زنان، بررسی مشکلات، آسیب‌ها و بحران‌های قشر زنان تلاش نموده و درصددند تا راهکارهای سازنده‌ای را ارائه دهند. اگرچه دیدگاه و مطالبات بیشتر زنان جامعه، استیفای حقوق فردی یا حداکثر صنفی می‌باشد، اما این نظرگاه محدود، خود دچار نقصان و ناشی از عدم همه‌جانبه‌نگری در بینش زنان نسبت به مسائل است و یکی از عمده‌ترین وظایف سازمان‌های غیردولتی زنان، جلب توجه این قشر به موضوعات کلان جامعه است که در سطوح استراتژیک و تصمیمی مسازی در بعد ملی و بین‌المللی قرار دارد.

مطالبات جامعه زنان به لحاظ پیچیدگی و هم‌پوشانی با دیگر نیازهای اجتماعی، نمیتواند به صورت مجزا و انتزاعی بررسی گردد. اگر سطح مطالبات در 3 بعد جهانی، منطقه‌ای و ملی در مقیاس سیاسی (به معنی تصمیم‌سازی)، (فرهنگی، ساختارها و مجاری توزیع قدرت و ثروت) و اقتصادی (عینیت و بعد اجرایی) مطالعه شود، مشاهده می‌گردد که متأسفانه مطالبات اکثریت

زنان در بعد اقتصاد و حداکثر فرهنگ متوقف شده و جز حیطه ملی، به کنش‌های تأثیرگذار منطقه‌ای و بین‌المللی کمتر توجه شده است، در حالی که در جهان امروز پدیده‌ها چنان به یکدیگر متصل شده‌اند که این گونه نگرش‌ها نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای افراد حتی در حیطه شخصی باشد. به عنوان مثال می‌توان به معادلات سیاسی در بعد بین‌الملل اشاره نمود که به واسطه جنگ‌ها و تحریم‌های اقتصادی، زندگی افراد جامعه به صورت غیرمستقیم دچار چالش‌های بلندمدت و تأثیرگذار می‌گردد که مباحث مربوط به زنان نیز در این بحران‌ها مستثنی نیستند.

در جامعه‌ای که دولت دارای سیستم و قوام دینی است، انتظار می‌رود نوع نیازها و مطالبات زنان نیز تفاوت داشته باشد؛ زیرا با رویکردی که در قوانین و ایدئولوژی اسلامی در خصوص زنان ملاحظه می‌شود، تقویم موضوعات زن، خانواده و اجتماع به گونه‌ای است که منزلت زنان در جایگاه شایسته و مطابق با فطرت آنان تبیین شده است. در این نوع نگرش، مطالبات زنان با پیش‌فرض‌های دینی، از حالت مادی‌گرایی صرف خارج شده و ابعاد معنوی پدیده‌های اجتماعی، از ویژگی خاصی برخوردار خواهد بود. اگرچه دولت امروز ایران تا حد حکومت ایده آل اسلامی فاصله دارد، اما چنانچه بسترسازی‌های مناسبی در راستای تثبیت دین در عرصه‌های مختلف جامعه صورت بگیرد، تفاوت‌های چشمگیری در وضعیت زنان مشاهده خواهد شد. با توجه به شرایط امروز و با دیدی واقع‌گرایانه محورهای عمده مطالبات زنان بدین شرح می‌باشد:

- اهتمام جدی در تبیین منزلت زنان مسلمان ایرانی در سطح جهانی و ملی؛
- مشارکت حقیقی و تثبیت جایگاه زنان در سیستم تصمیم‌سازی و توزیع عادلانه قدرت؛
- نهادینه سازی نگرش کارآیی جنسیتی به جای نگرش‌های جنسیتی فمینیستی یا انزوایی؛
- ارتقاء جایگاه زنان در پست‌های مدیریتی و رفع موانع ساختاری در این خصوص؛
- بازشناسی هویت انسانی زن و ترمیم حوزه‌های فرهنگ ساز در این زمینه؛
- اصلاح قوانین حقوقی و مدنی و ایجاد تمهیدات حمایتی براساس قوانین متعالی اسلام؛
- باز تعریف نظام خانواده و بهینه‌سازی وضعیت ازدواج و روابط زن و مرد؛
- ایجاد اشتغال، اتخاذ روش‌های نوین کارآفرینی و تمهید امکانات قانونی جهت کاهش فشار بر زنان شاغل؛
- محرومیت زدایی و بهبود وضعیت معیشتی زنان در مناطق مختلف شهری و روستایی.

۱۰. چالش‌های سازمان‌های غیردولتی زنان

سازمان‌های غیردولتی زنان یکی از ارکان توسعه ظرفیت‌ها و دارای صلاحیت همکاری و تعامل با دولت هستند، اما این تشکل‌های نوپا در کشور با مشکلات خاص خود مواجهند که تا حدودی بر اثر بخشی آنها به عنوان یک عنصر مردمی و پویا تأثیر گذاشته است.

۱-۱. فقدان قانون مدون سازمان‌های غیردولتی

تحقق مشارکت زنان در قالب سازمان‌های غیردولتی، مستلزم پشتوانه قانونی برای پاسخگویی به نیازهای آنان است. قانون می‌تواند حدود و عملکرد این تشکل‌ها - را علاوه بر ساماندهی - کنترل و نظارت نماید.

اگرچه در این زمینه اقداماتی در مراکز ذیربط صورت گرفته است، اما در نهایت هنوز قانون مدونی برای نحوه فعالیت‌ها و حوزه فعالیت‌ها و نحوه عملکرد سازمان‌های غیردولتی در دست نیست. در اواخر سال 1379 دفتر مطالعات سیاسی وزارت کشور، مبادرت به تدوین و پیشنهاد قانون سازمان‌های غیردولتی نمود و به استناد ماده 182 قانون برنامه سوم توسعه، وزارت کشور مکلف شده؛ با رعایت قوانین، نسبت به تهیه طرح‌های مربوط به ایجاد و تقویت سازمان‌های غیردولتی اقدام نماید، سرانجام هیأت دولت آیین‌نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های غیردولتی را در سال 1381 به تصویب رسانید. (رک. زارعی، 1382) اما این آیین‌نامه به سبب وجود پاره‌ای اشکالات، نتوانست جایگاه قانونی پیدا کند. بحث تعیین قانون برای تشکل‌های غیردولتی، یکی از مهمترین دغدغه‌ها در این حیطه می‌باشد. همین موضوع باعث تشتت و اعمال سلیقه‌های شخصی به خصوص در مورد سازمان‌های غیردولتی زنان گردید که خواسته یا ناخواسته تناقضاتی را در اهداف و عملکرد آنها بوجود آورده است. از سوی دیگر، نظارت بر عملکرد سازمان‌های غیردولتی بدون خط مشخص، نه تنها در شناخت آسیب‌ها و ناهنجاری‌های تشکل‌ها ناتوان است بلکه در حوزه کنترل و نظارت، نوعی هرج و مرج و برخوردهای غیرمنطقی را موجب می‌شود که به صورت «اهرم‌های فشار بر جامعه مدنی» تلقی خواهد شد.

۱-۲. ضعف در سیستم‌های مدیریتی و برنامه‌ریزی

از دیگر چالش‌های مهم سازمان‌های غیردولتی، مبحث مدیریت به ویژه مدیریت نیروی انسانی است. با بررسی‌های به عمل آمده بر روی فعالیت سازمان‌های غیردولتی زنان مشخص می‌گردد که موضوع برنامه‌ریزی استراتژیک به دلیل عدم شناخت و تجربه کافی مدیران، به هدر رفتن فرصت‌ها و انرژی منجر شده است. ضعف در برنامه‌ریزی تشکیلاتی بر جذب گروه‌های

هدف تأثیر می‌گذارد، لذا با پرهیز از رهبری «ستادی» باید با تقسیم کار و استفاده از تجربیات سازمان‌های دولتی و غیردولتی، از اتلاف وقت و انرژی جلوگیری کرد، به خصوص در بخش رهبری نیروی انسانی، به لحاظ مردمی بودن و فعالیت داوطلبانه اکثر اعضاء، این نارسایی به وضوح مشاهده می‌شود، زیرا در اغلب موارد به لحاظ سوء مدیریت، سازمان‌های غیردولتی منزوی شده یا حتی تا مرز انحلال پیش می‌روند.

۱۰-۳. تأمین منابع مالی پایدار

تأمین منابع مالی پایدار اساسی‌ترین نیاز یک سازمان غیردولتی است، زیرا بدون تجهیز سازمان و ناتوانی در بکارگیری افراد و مهارت‌های آنان، تشکل‌ها در دسترسی به اهدافشان ناکام خواهند ماند؛ از آنجایی که هدف فعالیت این سازمان‌ها کسب درآمد نیست، این مسأله از ویژگی خاصی برخوردار می‌شود. لذا سازمان‌های غیردولتی برای تأمین نیاز مالی به صور گوناگون اقدام به جذب پول و امکانات می‌نمایند.

دولت، خیرین (کمک‌های مردمی که به طور عمد به سازمان‌های خیریه اهدا می‌شود)، آژانس‌ها و مراکز بین‌المللی و بخش خصوصی، عمده‌ترین منابع حمایت‌های مالی از سازمان‌های غیردولتی هستند. انجمن‌های خیریه با جلب اعتماد می‌توانند به خوبی حمایت مردم را بدست آورند، البته خدمات این سازمان‌ها محدود به برنامه‌های حمایتی بوده و کمتر به مسائل توسعه‌ای و استراتژیک می‌پردازند و هر چه یک سازمان تخصصی‌تر می‌شود در جلب حمایت‌های مالی مردم از اقبال کمتری برخوردار است. این گونه سازمان‌ها اغلب پروژه محور بوده و با سازمان‌های دولتی و بخش خصوصی همکاری می‌نمایند. یکی از مهمترین منابع مالی، کمک‌ها و حمایت‌هایی است که از طریق آژانس‌ها و مراکز بین‌المللی در اختیار سازمان‌های غیردولتی قرار می‌گیرد. از سال 1992 به بعد، کمک‌های مستقیم کشورهای توسعه یافته به نهادهای مدنی کشورهای توسعه نیافته سالیانه حدود 6 میلیارد دلار است. کمیسیون پارلمان اروپا نیز در سال 1994، حدود 856 میلیون دلار، به سازمان‌های غیردولتی در سراسر جهان کمک نموده است (رک. خجسته، 1380) امروزه در دنیا حجمی حدود 20 میلیارد دلار گردش مالی معطوف به سازمان‌های غیردولتی است. این نقدینگی معمولاً از سوی مؤسسات مختلف به سازمان‌های غیردولتی و نهادهای مدنی پرداخت می‌شود و به اهدا کننده کمک اطلاق می‌شود (رک. بیرجندی، 1380). البته این کمک‌ها برای اهدا کننده نیز خالی از منفعت نیست، زیرا مشمول پرداخت مالیات نمی‌شوند و حتی تسهیلاتی را برای این مؤسسات و سازمان‌ها در

بردارد. در سال ۲۰۰۳ در بخش «مطالعات بخش خصوصی» دانشگاه جان هاپکینز آمریکا مطالعه تطبیقی بر روی سازمان‌های غیردولتی 35 کشور جهان به عمل آمد و منابع درآمد سازمان‌های غیردولتی بررسی گردید:

- 35 درصد از سازمان‌های غیردولتی، خود اقدام به فعالیت‌های درآمدزا می‌نمایند.
- ۳۵ درصد از این تشکلهای از سوی دولت یا بخش عمومی حمایت مالی می‌شوند.
- ۱۲ درصد از این تشکلهای از طریق بخش‌های خصوصی، فردی و فعالیت‌های انسان دوستانه منابع مالی خود را تأمین می‌نمایند (گسترش و تقویت سازمانهای غیردولتی فصلنامه ریحانه).

اگرچه سازمان‌های غیردولتی در ایران به خصوص تشکلهای مربوط به زنان، در شناسایی، ارتباط‌گیری و جذب کمک از سازمان‌های بین‌المللی چندان توفیقی نداشته‌اند، اما جذب این کمک‌ها خود نیاز به بررسی منابع اهدا کننده دارد که در بخش‌های بعدی مقاله به آن پرداخته می‌شود.

۱۰-۴. ضعف در اطلاع‌رسانی و شناخت سازمان‌های غیردولتی زنان

توزیع ناعادلانه اطلاعات و عدم شناخت اکثر مردم جامعه نسبت به وجود و کارکرد سازمان‌های غیردولتی از جمله چالش‌های اساسی در تثبیت اینگونه تشکلهای در جامعه است. اطلاع‌رسانی منظم و هدفمند رسانه‌ها و نشریات کشور از سازمان‌های غیردولتی زنان، علاوه بر تشخیص بخشیدن به حرکت‌های خودجوش مردمی، می‌تواند در جلب توجه اقشار گوناگون جامعه نسبت به مسائل زنان نیز تأثیرگذار باشد. این چالش مهم خود به مانعی تبدیل شده است که نه تنها در ارتباط‌گیری مردم با این سازمان‌ها، بلکه در ارتباطات سازمان‌ها با یکدیگر نیز دچار ضعف و نقص است، در چنین حالتی؛ موازی کاری، تشابهات اسمی و فعالیت‌های پراکنده بی نتیجه، رخ خواهد داد. در این راستا دولت می‌تواند با فراهم آوردن فضای مناسب و سالم، علاوه بر تغذیه مستمر اطلاعاتی این تشکلهای، زمینه رشد و توسعه آگاهی آنان را ایجاد نماید. به عنوان مثال می‌توان به فقدان یک کتابخانه تخصصی و کامل در حد پایگاه اطلاعاتی برای سازمان‌های غیردولتی اشاره نمود. از سوی دیگر ضعف در سطح آگاهی از وقایع مهم جهانی و امکان ارتباط با مراجع بین‌المللی که می‌تواند امکان تبادل اطلاعات و تجارب را فراهم آورد، باعث می‌گردد تا زن مسلمان ایرانی در حالت انزوا یا انفعال نتواند در عرصه‌های جهانی فعالیت نماید.

۱۱. دولت و سازمان‌های غیردولتی زنان در ایران

پس از انقلاب اسلامی فرصت‌ها و بسترسازی‌های مناسبی برای حضور سالم زنان در اجتماع پدید آمد. اگرچه جنگ تحمیلی و تحریم‌های اقتصادی مشکلات و موانعی را بر سر راه توسعه، سازندگی و انقلاب فرهنگی ایجاد نمود، اما عزم ملت و آرمان‌های انقلاب نیروی محرکهٔ آحاد جامعه به سوی اهداف نظام بود. پدیده سازمان‌های غیردولتی زنان نیز همسو با توسعه ظرفیت‌سازی و مشارکت زنان مورد توجه قرار گرفت تا با بکارگیری عوامل تقویت فرهنگ دینی و ملی، کشور را در مسیر سازندگی قرار دهد. این سازمان‌ها می‌توانند در تبیین و تبلیغ مفاهیم دینی (مانند ترویج فرهنگ صرفه جویی، ایثار و...) به جریان‌های فعال تبدیل شوند و با ایجاد زبان مفاهیم، از اصطکاک سیاسی و فرهنگی جلوگیری نمایند. رشد کمی سازمان‌های غیردولتی از آن جهت می‌تواند مورد توجه قرار گیرد که با تکثیر این اجتماعات، زمینه‌های شناخت آسیب‌های اجتماعی، زنان آسیب دیده و مسائل روزمره آنان بهتر فراهم شود. همچنین سازمان‌های غیردولتی زنان می‌توانند به عنوان مراکز نظارتی در نظام اسلامی فعال شوند و بر عملکرد سازمان‌های دولتی نظارت نمایند. این مقوله با سیستم ارتباطی ملت و دولت رابطه تنگاتنگی خواهد داشت، زیرا نظارت یک سازمان غیردولتی مردمی نسبت به یک حزب سیاسی که خود از کانون‌های قدرت به شمار می‌رود، کار آمدتر و فارغ از پیچیدگی‌های دیپلماتیک است.

ایجاد قدرت و تقویت بنیان‌های فکری و فلسفی تشکلهای علمی - پژوهشی و فرهنگی می‌تواند به دستگاهی قدرتمند برای پاسخ به نیازهای جامعه زنان در سطح ملی و بین‌المللی تبدیل شود که با نفوذ در لایه‌های مختلف جامعه، با ساماندهی جریان‌های فکری، سیاسی و اجتماعی زنان، به ابزاری کارآمد و واقعی در حوزه‌های عملیاتی مبدل گردد و چنانچه سازمان‌هایی منتقد و یا حتی معاند نیز در جامعه وجود داشته باشد با مناظره و مباحثه در فضایی سالم و غیردولتی مواجه می‌شود. یعنی پاسخ به مخالفت و یا انتقاد از طریق مردم صورت می‌گیرد که از حیث مقوله حاکمیت و توسعه عدالت از کانال‌های مردمی و ملی بسیار حائز اهمیت خواهد بود.

۱۱-۱. تعامل دولت و سازمان‌های غیردولتی زنان

فرآیند تعامل تشکل‌های غیردولتی زنان با حکومت و بالعکس مجموعه‌ای از مکانیزم‌های تسهیل و نظارت را در برمی‌گیرد که ایجاد «انتظارات» و «توقعات» دو سویه نشانگر تعامل مثبت و همدلی طرفین می‌باشد. چنانچه فرهنگ مشارکت در دیدگاه اسلامی مورد بررسی قرار گیرد نهادینه شدن همکاری مردم با نظام اسلامی به خصوص قشر زنان شامل اصول خاصی است: تقسیم عادلانه درآمد و امکانات توسعه، فعالیت‌های مشترک و مستمر، توسعه خودگردانی و استقلال، تقویت روحیه گفتگو و سعه صدر. رعایت این اصول به خصوص تقسیم عادلانه قدرت سیاسی و اقتصادی که برخاسته از اهداف انقلاب می‌باشد، علاوه بر ارتقای انگیزه زنان برای حضور اجتماعی، از تمرکز قدرت نیز جلوگیری می‌نماید. همچنین توسعه خودگردانی و استقلال نیز به زنان هویت و عزت نفس می‌بخشد تا بیش از پیش در بازسازی نقش خود موفق باشند. همین امر باعث می‌شود تا زنان به جای گرایش یافتن به ایدئولوژی‌های فمینیستی جهت ارضاء نیازهای اجتماعی خود، به نظام اسلامی اعتماد نماید و آن را بستری مطمئن برای فعالیت و رشد خود بداند. از سوی دیگر سازمان‌های غیردولتی زنان با شناسایی مسائل و موضوعات مبتلا به زنان، می‌توانند با چانه زنی و استفاده از تکنیک‌های نظام مند در حوزه حکومتی و با جلب نظر و حمایت دولت، به صورت منطقی و نتیجه بخش به این مسائل بپردازند.

۱۱-۲. راهکارهای افزایش تعامل دولت و سازمان‌های غیردولتی

در همین راستا توجه سیاست‌گزاران و برنامه‌ریزان کلان مملکتی به جایگاه جامعه مدنی و سازمان‌های غیردولتی، در برنامه چهارم توسعه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی کشور، درخور توجه است. در چند بند از این برنامه مانند بند «ج» ماده 30، بند «د» ماده 31، و در مواد 52، 55 و ... بر نقش و تقویت سازمان‌های غیردولتی تأکید شده است که به عنوان مثال می‌توان بند «ه» ماده 59 اشاره نمود: «ارتقای مشارکت نهادهای غیردولتی و مؤسسات خیریه در برنامه‌های فقرزدایی در کلیه مناطق کشور توسط مدیریت‌های منطقه‌ای و اعمال حمایت‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی. (رک. برنامه چهارم توسعه کشور، 1383). نکته قابل توجه این است که در حال حاضر دولت باید قوانین مناسب وضع نماید و در اجرای آن کوشا باشد تا هم جبران نقایص گذشته شود و هم در آینده وضعیت مطلوب برای سازمان‌های غیردولتی ایجاد شود (رک. احمدی، 1384). در این راستا می‌توان به راهبردها و پیشنهادهایی که منظور دستیابی به تعامل دوجانبه نظام اسلامی و سازمان‌های غیردولتی زنان اشاره کرد:

- برنامه‌ریزی اصولی، تدوین قانون و سیاست‌های شفاف و مشخص درباره سازمان‌های غیردولتی؛
- تعیین جایگاه و منزلت مطلوب زن در نظام اسلامی با تأکید بر مباحث کاربردی و پرهیز از برخورد شعاری با مسائل زنان؛
- ترسیم دقیق سیاست‌های نظام اسلامی در عرصه بین‌الملل و ترسیم جایگاه نهادهای غیردولتی در دستیابی به اهداف بین‌الملل نظام اسلامی به منظور جلوگیری از تشتت در ابراز عقیده تشکل‌های غیردولتی زنان در این عرصه‌ها؛
- ایجاد وحدت رویه در عملکرد دستگاه‌های دولتی در برابر سازمان‌های غیردولتی؛
- حمایت مالی و فکری از اینگونه سازمان‌ها به منظور ارتقاء سطح سازمانی و حوزه عملکرد
- اطلاع‌رسانی به موقع و مستمر به تشکل‌ها به منظور برنامه‌ریزی دقیق‌تر و کارآمدتر؛
- ایجاد شبکه‌های مختلف و چند منظوره برای هماهنگی و توانمندسازی سازمان‌های غیردولتی زنان به منظور پوشش‌دهی مجموعه‌ای از سازمان‌های غیردولتی اسلامی داخل و خارج از کشور؛
- شناسایی سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی همسو با تأمین امنیت، ثبات و ایجاد فضای ممارست و کسب تجربه در رده‌های تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری؛
- ایجاد نگرش مثبت به سازمان‌های غیردولتی به عنوان فرصتی برای مشارکت زنان در تولید و توزیع فرهنگ اسلامی و ایرانی؛
- تأکید بر آموزش مسائل بنیادین از قبیل: حقوق بشر، حقوق زنان، حقوق کودکان، حکومت‌داری مطلوب، بازسازی اجتماعی جامعه ایرانی و... با تأکید بر مبنای دیدگاه‌های اسلامی؛
- تعیین راه‌های توانمندسازی سازمان‌های غیردولتی بر اساس الگوهای بومی و البته با استفاده مثبت از تجارب دیگران؛
- وضع قوانین جهت ضابطه‌مند شدن دریافت کمک‌های مالی از سازمان‌های بین‌المللی، نحوه نظارت بر دریافت‌ها و هزینه کردن آن.

بازنگری در جایگاه سازمان‌های غیردولتی زنان در ایران و تأثیرات آنها بر جامعه و تبیین اهمیت این تشکل‌ها برای عامه، سیاستگذاران و برنامه‌ریزان، علاوه بر ارتقاء و بهبود وضعیت زندگی، امکان نظریه‌پردازی برپایه هویت دینی و ملی را ایجاد می‌نماید. رهیافت‌های نوین در سیاست‌پردازی‌های بین‌المللی نشان داده است که برای حفظ اقتدار و پرهیز از انفعال، نیاز به نظامی هدفمند و هوشمند است که بدون حضور و پشتوانه سازمانی زنان تحقق نخواهد یافت. دولت جمهوری اسلامی ایران با بهره‌گیری از ظرفیت‌های بسیار غنی مشارکت مردمی می‌تواند در راستای دستیابی به اهداف انقلاب اسلامی حرکت نماید.

نتیجه‌گیری

با بررسی سابقه تاریخی فعالیت‌های غیردولتی زنان در ایران، تفکری عمیق در شکل‌گیری آنها موجود است، سیر تکامل نیازهای اجتماعی زنان، داوطلبانه بودن اقدامات آنها در عرصه‌های مدرسانی، رفاه اجتماعی، آموزشی و فقرزدائی، همچنین با توسعه کشورها و شهرهای مهم دنیا، تسری فعالیت‌های زنان اشکال دیگری نیز به خود گرفت که برخی از آنها را می‌توان حوزه سوء استفاده ابرقدرتها و ثروتمندان دانست مانند فمینیست (زنان) به اشتباه نحله فمینیسم به عنوان مطالبه‌گری زنان در عرصه اجتماع برابر مردان تعریف کردند اما ابرقدرتها که مسیر سوء استفاده را پیش گرفتند مشخص شد آن برای بهره‌کشی از قدرت متکثر زنان است. رویکرد عدالت جنسی، نیازهای اساسی، رفع تبعیض علیه زنان و ایجاد فرصت‌های اجتماعی برای زنان از جمله موضوعات بسیار مهم دنیای توسعه یافته است. البته به شرط اینکه عواید آن فقط برای عده خاصی تامین نشود بلکه حاصل این جنبش باید به شکوفائی و مدنیت جامعه بپردازد.

ضرورت ایجاد سازمان‌های غیردولتی زنان-مجرد از نگاه فمینیستی به مطالبه‌گری، تسهیل گرائی، دستیابی به اجتماعی با موازنه‌های انسانی، اشتغال، تصمیم‌گیری‌های خرد و کلان، فقرزدائی و ... می‌بایست بیشتر در خدمت دولت‌ها باشد. کارکردهای سازمان‌های غیردولتی زنان برای تحقق برنامه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نظام سیاسی- اجتماعی دولت مناسب‌ترین تصمیم NGO زنان است البته باید اقتضائات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی را نیز در نظر گرفته و از مسیر توسعه خارج نشوند. خصوصیات NGO زنان از موضوعات بسیار مهمی است که در راهبرد اصلی فعالیت آنان تاثیرگذار است. فعالیت غیرانتفاعی، سهولت ارتباط، اعتماد سازی، جذب حداکثری، نقش نظارتی در راستای احقاق حقوق زنان توانمندسازی و مهارت

افزایی زنان... همگی در روحیه جهادی و عدالت‌خواهی و دانایی زنان تاثیرگذار است. از آنجا که دولت‌ها نیاز به ارتباطات اقتصادی و سیاسی در سطح بین‌المللی دارند می‌توان نقش فرهنگی NGO زنان را بعنوان یک کالای فرهنگی در اثنای مبادلات و معاملات اقتصادی سیاسی قرارداد و ارتباطات فردی و اجتماعی گروه‌های NGO به معرفی و اشاعه فرهنگی بپردازد. مسلماً کشورها و جوامع آزادی‌خواه و عدالت‌پرور به دنبال ارتقاء و رشد فرهنگ اجتماعی و سازمان‌های غیردولتی خود هستند پس به‌عنوان یک طرح موفق معرفی می‌شود.

یکی از مسائل مهم در تعامل زنان با سازمان‌های NGO نیاز به آگاهی‌های مربوط به فعالیت‌های آنان است که باعث تقویت این قشر آسیب‌پذیر جامعه می‌گردد. زنان در جامعه مدرنیته بکارگیری ابزارهای متفاوتی را برای گذر از نیازهای شخصی و اجتماعی خود انتخاب می‌کنند و برای دستیابی به وضعیت مطلوب در جهت شناخت از مسائل زنان و جامعه و استیفای حقوق زنان تلاش بی‌وقفه می‌نمایند. شناخت فطری و اجتماعی نیازهای زنان در عرصه‌های ملی کنش‌های موثری را در پی دارد اما توفیق اقتصادی و تجاری برای آنان ندارد. نگاه مهمی که در فعالیت‌های زنان در اجتماع (اسلام و دنیا) مهم است، برتری جنسیتی در فعالیت‌های اجتماعی است زیرا اسلام دولت و مردان را موظف به رعایت حقوق زنان در تمامی جهات نموده است و در ادامه رشد حقوق مادی و معنوی را خواستار شده است. بنابراین این دیگران هستند که باید به این هدف برسند. با این حال NGO زنان برای تقویت این خواسته بحق تعامل با دولت را در شکل‌گیری سازمان‌های مذکور موثر می‌دانند و حاصل آن نیز تغییر و تبدیل بسیاری از فعالیت‌های زنان در عرصه اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و حتی اقتصادی است. به نظر می‌رسد جامعه اسلامی زنان راهکارهای بهتری برای منزلت زنان، مشارکت حقیقی در تصمیم‌سازی و توزیع متناسب موقعیت‌های اجتماعی (خانواده، اشتغال، ...) محرومیت زدائی و بهبود وضعیت معیشت زنان دارد. در ادامه، NGO های زنان زمانی به توفیق دست پیدا می‌کنند که در تدوین قوانین موضوعه، تقویت سیستم‌های مدیریتی و برنامه‌ریزی، تامین منابع مالی، تقویت اطلاع‌رسانی و برقراری ارتباطات موثر فعالیت‌های همسوئی در اجتماع و دولت داشته باشند و با برنامه‌های موفق خود دولت را متقاعد سازند تا از آنها حمایت و پشتیبانی نمایند. از همین رو باید در افزایش تعامل دولت و سازمان‌های غیردولتی با ترسیم نقشه‌های اجرایی فعالیت نمایند.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- ابوت، پاملا و والاس، کالر (۱۳۸۰)، **جامعه‌شناسی زنان**، ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران: نشر نی.
- احمدی، مینا (۱۳۸۴)، «پیامدهای معاهدات بین‌المللی در ایران، سازمان‌های غیردولتی»، **فصلنامه کتاب زنان**، سال هشتم، شماره ۲۹.
- آملی، احمد (۱۳۸۳)، «مدیریت زنان در تشکل‌های غیردولتی»، **فصلنامه ریحانه**، مرکز مشارکت زنان، شماره ۷.
- بابامرادی، سهیلا (۱۳۸۲)، «آسیب‌شناسی سازمان‌های غیردولتی در ایران»، **فصلنامه آوا**، شماره ۴.
- بیرجندی، ستاره (۱۳۸۰)، «سازمان‌های غیردولتی و تجهیز منابع در ایران»، **فصلنامه آوا**، شماره ۱.
- تقی‌خاکی، زهره و بابامرادی، سهیلا (۱۳۸۳)، «گسترش و تقویت سازمان‌های غیردولتی»، **فصلنامه ریحانه**، مرکز امور مشارکت زنان، شماره ۹.
- جوادی آملی، حسن (۱۳۶۹)، **زن در آینه جلال و جمال الهی**، قم: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- خجسته، سعید (۱۳۸۰)، «چشم‌انداز مشترک قرن ۲۱»، **آوای مشارکت**، شماره ۱.
- رحیم‌زاده، محمدعلی (۱۳۹۷)، مدیریت ارزیابی فرهنگی، تهران: تدبیر روشن.
- زارعی، ایوب (۱۳۸۲)، «نقدی برآییننامه اجرائی تأسیس و فعالیت سازمان‌های غیردولتی»، **فصلنامه آوا**، جلد ۴.
- سعیدی، محمدرضا (۱۳۸۲)، **درآمدی بر مشارکت مردمی و سازمان‌های غیردولتی**، تهران: سمت.
- شکیبا مقدم، محمد (۱۳۷۸)، **مدیریت سازمان‌های محلی و شهرداری‌ها**، تهران: موسسه انتشاراتی میر.
- فالت، کنت (۱۳۶۳)، **فرار عقاب‌ها**، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران: نو.
- قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۳)،

- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، قابل دسترسی در:
<http://rc.majlis.ir/fa/law/show/94202>
- قوام، سیدعبدالعلی (۱۳۸۲)، جهانی شدن و جهان سوم (روند جهانی شدن و موقعیت جوامع در حال توسعه در نظام بین‌الملل)، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل وزارت امور خارجه.
- گریفین، ریکی و گرگوری مورهد (۱۳۹۸)، رفتار سازمانی، ترجمه سیدمهدی الوانی و غلامرضا معمارزاده، تهران: مروارید.
- گلشن پژوه، محمودرضا (۱۳۹۲)، راهنمای سازمان‌های غیردولتی، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- مجموعه آموزشی شوراهای اسلامی شهر و روستا (۱۳۹۶)، آشنایی با سازمان‌های غیردولتی و چگونگی مشارکت آنان در مدیریت محلی، تهران: دفتر برنامه‌ریزی و آموزش شوراهای وزارت کشور.
- محسنی، منوچهر و جاراللهی، عذرا (۱۳۸۲)، مشارکت اجتماعی در ایران، تهران: انتشارات آرون.
- مرجع سازمان‌های مردم‌نهاد (۱۳۹۶)، تعریف سازمان مردم‌نهاد از دیدگاه سازمان‌های بین‌المللی، قابل دسترسی در: <http://ngosiran.ir/News/44/>
- نبوی، محمد حسن (۱۳۷۳)، مدیریت اسلامی، قم، مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.